

و طبیعت گرایی عقل و وحی را کنار گذاشتند که نتیجه آن روی آوردن به دانشی ابزاری جهت تسلط بر طبیعت مادی شد که در نهایت موجب اسارت انسان توسط فناوری ها و ابزار خودش شد. در پایان قرن بیستم گرایش تجربی انسان افول کرد و منجر به بحران معرفتی، هویتی و سردرگمی انسان شد.

۲۹- منظور از بحران معرفتی غرب چه بود؟ جواب: ناتوانی در تشخیص شناخت درست از نادرست در باورها، ارزش ها، عقاید و رفتارها

درس ششم: تاریخ فرهنگ غرب به چند دوره تقسیم می شود؟ جواب: ۱- یونان و روم باستان ۲- قرون وسطی ۳- دوره رنسانس ۴- غرب جدید

۱- جهان غرب چگونه از دوره های تاریخی خود عبور کرد؟ جواب: با پذیرش مسیحیت و سقوط روم غربی از دوره باستان وارد دوره قرون وسطی شد. با فرو ریختن اقتدار کلیسا، کشف آمریکا و نهضت پروتستانسیسم وارد دوره رنسانس شد. با انقلاب صنعتی، رشد تجارت و علم، پیدایش دولت - ملت ها وارد دوره جدید شد.

۲- فرهنگ دوره باستان (یونان و روم) با قرون وسطی چه تفاوت هایی دارد؟ جواب:

دوره ی باستان	قرون وسطی
فرهنگ اساطیری	فرهنگ دینی مسیحیت
پرستش خدایان متعدد	اعتقاد به توحید
نگاه متکثر به عالم	نگاه واحد به عالم

(در باستان خلقت از خدایان متعدد نشأت می گرفت و متکثر بود ولی در قرون وسطی همه مخلوقات به خدای واحد می رسید.)

۳- رنسانس به چه معناست؟ مشخصات این دوره تاریخی را بنویسید؟ جواب: به معنای تجدید حیات و تولد دوباره و بازگشت به دوران فرهنگ یونان و روم باستان. ۱- رویکردی دنیوی به مفاهیم معنوی و توحیدی (سکولاریسم) ۲- حرکت های اعتراضی نسبت به مذهب ۳- رویکرد دنیوی به عالم در سطح هنر، اقتصاد، سیاست ۴- ظهور پادشاهان محلی به عنوان رقیبان کلیسای دنیا طلب ۵- تلاش جهت حذف کلیسا و نقش دین و معنویت

۴- برخی از ویژگی های دوره ی تاریخی قرون وسطی را بنویسید. جواب: ۱- سکولاریسم عملی (به نام دین دنیا طلب کردن) ۲- به بهانه ایمان و وحی عقل را از اعتبار می انداختند. ۳- اقتدار کلیسا در همه ی امور زندگی ۴- اقتصاد کشاورزی و نظام ارباب رعیتی ۵- برده داری عام و فراگیر

۵- جهان غرب چگونه از دوره قرون وسطی به دوره رنسانس عبور کرد؟ جواب: ۱- جنگ های صلیبی، مواجهه با مسلمانان و فتح قسطنطنیه اقتدار کلیسا را فرو ریخت. ۲- ظهور قدرت های محلی به عنوان رقیبان دنیا طلب کلیسا

۶- رویکرد هنر، اقتصاد و سیاست در عصر رنسانس چگونه بود؟ جواب: در هنر به ابعاد جسمانی و دنیوی انسان اهمیت می دادند. در اقتصاد با رشد تجارت و کشف آمریکا از اقتصاد کشاورزی ارباب رعیتی به اقتصاد صنعتی سرمایه داری عبور کردند. در سیاست قدرت های محلی و شاهزادگان به رقابت با کلیسا پرداختند.

۷- رویکرد مذهب در دوره رنسانس چگونه بود؟ جواب: حرکات اعتراضی با دورویکرد: ۱- رویکرد دنیا گرایانه (همانند کلیسا) و تنها مخالفت با قدرت پاپ ۲- رویکرد معنوی و تقابل با دنیا گرایی

۸- نگاه اساطیری باستان به عالم، چه تفاوتی با فرهنگ مسیحیت در این خصوص دارد؟ جواب: توجه به عالم کثرت، (یعنی جهان دارای منسهای گوناگون و متکثر است) از ویژگی های دوره اساطیری باستان است. مسیحیت نگاهی توحیدی داشت. (البته با عقیده به تثلیث و سکولاریسم عملی آن را تحریف کردند.)

۹- تحریفات مسیحیت چه پیامدهایی به دنبال داشت؟ جواب: ۱- در سطح اندیشه و نظر: عقیده به تثلیث و دور شدن از ابعاد عقلانی توحید ۲- در سطح طنذگی و عمل: توجه عملگر دنیوی تحت پوشش دین و معنویت (سکولاریسم عملی)

- ۱۰- چگونه فلسفه روشنگری به وجود آمد و سکولاریسم نهادینه شد؟ جواب: ۱- بازگشت به فرهنگ باستان جهت حذف پوشش دینی و تفسیر توحیدی ۲- حرکت های اعتراضی دینی به کلیسا و تفاسیر پروتستانی دینی و رواج آن در سطح فرهنگ عمومی جامعه ۳- نفوذ تفاسیر دینی فوق به لایه های عمیق فرهنگ غرب
- ۱۱- فیلسوفان روشنگری چگونه به تفسیر این جهان می پرداختند؟ جواب: بانکار ارزش علمی وحی زمینه ی پیدایش علوم را فراهم آوردند که مستقل از وحی و صرف نظر از ابعاد متافیزیکی و فوق طبیعی عالم به تفسیر این جهان می پرداختند.
- ۱۲- چگونه در دوره رنسانس ، ارزش های بنیادین غرب در عرصه علم و فناوری خود را ظاهر ساخت؟ جواب: ۱- علم رسالت شناخت حقیقت عالم و تعالی انسان را از دست داد و به صورت عقلانیت ابزاری درآمد. (وسیله ای برای تسلط انسان بر طبیعت) ۲- در بین علوم ، علوم تجربی با راهورد فناوری و صنعت بیشترین اهمیت را یافت .
- ۱۳- اقتصاد دودوره ی قرون وسطی و دوران رنسانس را بایکدیگر مقایسه کنید . جواب: در قرون وسطی اقتصاد برمدار کشاورزی و روابط اجتماعی ارباب رعیتی (فئودالی) استوار بود که کشاورزان وابسته به زمین ارباب بوده و غیر قابل انتقال بودند. در رنسانس گسترش تجارت و رشد صنعت به پیدایش قشر جدید سرمایه داران انجامید و اقتصاد فئودالی به صنعتی - سرمایه داری تبدیل شد.
- ۱۴- چگونه ارزش های بنیادین غرب در اقتصاد دوران رنسانس خود را ظاهر ساخت؟ جواب: با گسترش تجارت ، صنعت رشد کرد و قشر جدید سرمایه داران صنعتگر به وجود آمدند و روابط پیشین ارباب رعیتی را تغییر دادند.
- ۱۵- در قرون وسطی رویکرد به حقوق بشر چگونه بود؟ جواب: به دلیل باورهای دینی مردم ، رفتارهای دنیوی نظام فئودالی توجیه دینی می شد.
- ۱۶- حقوق فطری با حقوق طبیعی بشر چه تفاوت هایی دارد؟ جواب: حقوق فطری الهی انسان به نیازهای دنیوی و معنوی باد و ابزار وحی و عقل می نگرد. ولی حقوق طبیعی صرفا به نیازهای این جهانی و طبیعی انسان نظر دارد.
- ۱۷- حقوق بشر در فرهنگ دینی چگونه است؟ جواب: ریشه در ربوبیت پروردگار و فطرت الهی انسان دارد و وظیفه حراست از خلافت انسان و کرامات ذاتی او را دارد.
- ۱۸- در عقاید و ارزش های جدید غرب رویکرد سیاست و نظام سیاسی چگونه است؟ جواب: نظام سیاسی سکولار که آرمان های خود را بر مبنای حقوق طبیعی و خواسته های دنیوی تنظیم می کند و اراده ی انسان هارا مستقل از ابعاد آسمانی و الهی مبداء قانون قرار می دهد.
- ۱۹- ویژگی های اندیشه سیاسی لیبرالیسم را توضیح دهید . جواب: ۱- اصالت بخشیدن به انسان دنیوی ۲- مبنای قانون گذاری اراده ی انسان ها است (مبداهمه ی ارزش ها انسان است نه حاکمیت الهی) ۳- فقط به حقوق طبیعی توجه می کند ۴- همه امور در قیاس با اراده ی انسان مباح است.
- ۲۰- نخستین انقلاب سیاسی لیبرال در تاریخ سیاسی جهان کدام است و چگونه شکل گرفت؟ جواب: انقلاب فرانسه با حرکت های فرهنگی دوران رنسانس و اندیشه های فلسفی روشنگری و تغییرات اجتماعی مربوط به انقلاب صنعتی به وجود آمد.
- ۲۱- به چه دلیل مواجهه ی با مسلمانان در طول جنگ های صلیبی و فتح قسطنطنیه ، زمینه های اقتدار کلیسا را درهم ریخت؟ جواب: چون کلیسا بر پایه ی کتب عهد عتیق و انجیل استوار بود و با علوم جدید مخالفت داشت ولی اسلام به گسترش و رشد علم دستوری دهد و آنها را از طریق این جنگ ها با آزاداندیشی و علم گرایی آشنا شدند. همچنین خسارات اقتصادی و نیروی انسانی، قدرت فئودال ها و کلیسا را کاهش داد.
- ۲۲- چگونه فلسفه های روشنگری موجب شکل گیری فرهنگ معاصر غرب شد؟ جواب: چون مردم و فرهنگ عمومی آنچنان از تسلط و دنیاگرایی دینی مسیحیت زده شده بودند که وقتی سکولاریسم توسط اندیشمندان به انسان به صورت مستقل توجه کرد شیفته ی آن شدند و در سطوح عمیق جامعه نفوذ یافت.
- ۲۳- تحولات فرهنگی ، اجتماعی غرب در زمینه های دینی ، فلسفی ، صنعتی و سیاسی و ترتیب تاریخی آنها را بیان کنید . جواب: سیر تحولات به ترتیب دینی ، سیاسی ، فلسفی و صنعتی بود. در زمینه ی دینی از تقدس قدیسان و تمرکز دینی کلیسا به سمت عدم تمرکز دینی حرکت کردند. در زمینه ی سیاسی کم رنگ شدن مرزهای سیاسی و جهانی شدن مطرح شد. در زمینه ی فلسفی توجه به عالم کثرات رایج شد. در زمینه ی صنعتی صنایع چاپ و بخار و تکنولوژی های ماشینی مطرح شد .